


## A Critical Analysis of the Motivations for Infanticide in the Pre-Islamic Era and Modern Abortion Based on Qur'anic Verses and Narrations

✉ **Mohammad Javad Saqqay-i Biria**  / Assistant Professor, Department of Exegesis and Quranic Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute [mjbiria@iki.ac.ir](mailto:mjbiria@iki.ac.ir)  
**Ismail Cheraghi Koutiani** / Assistant Professor of Cultural Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute [cheraghi@iki.ac.ir](mailto:cheraghi@iki.ac.ir)

**Received:** 2025/07/16 - **Accepted:** 2025/10/04

### Abstract

Human beings possess an innate fondness for children; however, even in the 21st century, infanticide is perpetrated for motivations that occasionally resemble those of pre-Islamic Arabs. This study seeks to uncover the specific roots of such behaviors, categorized under female infanticide, infanticide, and abortion. Its objective is to analyze and critique these motivations through the lens of Qur'anic verses and narrations. Employing a library-based method for data collection and a descriptive-analytical-exegetical approach, the research findings indicate that: 1. Misguided beliefs, such as considering daughters creations of Satan or harboring misplaced protective jealousy motivated female infanticide in the pre-Islamic era; 2. The belief that parents are the sole providers for children led to infanticide under conditions of poverty; 3. In contemporary society, the desire to limit family size, occurrences of unwanted pregnancy, and the belief in bodily autonomy are the primary and recurrent motivations for abortion; 4. Poverty is a common causal factor for both infanticide in the pre-Islamic era and abortion in the modern world. These results demonstrate that, despite differences between the two historical periods, certain underlying commonalities persist.


**Keywords:** infanticide, abortion, filicide, live burial, child sacrifice.

نوع مقاله: پژوهشی

## بررسی انتقادی انگیزه‌های فرزندکشی جاهلی و سقط جنین مدرن بر پایه آیات قرآن و روایات

mjbiria@iki.ac.ir

cheraghi@iki.ac.ir

✉ محمدجواد سقایی بی‌ریا  / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

اسماعیل چراغی کوتیانی / استادیار جامعه‌شناسی فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

### چکیده

انسان فطرتاً فرزنددوست است، اما حتی در قرن ۲۱، کسانی با انگیزه‌هایی گاه مشابه با انگیزه‌های اعراب جاهلی، فرزندکشی می‌کنند. این رفتار که تحت سه عنوان دخترکشی، فرزندکشی و سقط جنین جای می‌گیرد، ریشه‌های خاصی دارد که این پژوهش به دنبال کشف آنهاست. هدف تحلیل و نقد این انگیزه‌ها از طریق آیات و روایات است. این پژوهش در گردآوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و در پردازش، از روش توصیفی - تحلیلی - تفسیری استفاده کرده است. یافته‌های پژوهش حاکی است: ۱. باورهای کژکار از قبیل اینکه دختران آفریدگان شیطان‌اند یا غیرت بیجا نسبت به دختران، موجب دخترکشی در جاهلیت می‌شدند؛ ۲. باور به روزی‌رسان بودن والدین برای فرزندان، به فرزندکشی در شرایط فقر می‌انجامید؛ ۳. امروزه تمایل به تحدید فرزندان، بارداری‌های ناخواسته و باور به حق مدیریت بدن، انگیزه‌های اصلی و پرتکرار سقط جنین‌اند؛ ۴. فقر علت مشترک فرزندکشی در عصر جاهلیت و سقط جنین در دنیای مدرن است. این نتایج نشان می‌دهد که گرچه تفاوت‌هایی میان دو دوره وجود دارد، اما زمینه‌های مشترکی همچنان استمرار یافته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** فرزندکشی، سقط جنین، قتل اولاد، زنده‌به‌گور کردن، قربانی کردن فرزند.

## مقدمه

تهدید ابربحران پیری جمعیت برای کشور ما، سال‌هاست که موجب شده تا عالمان اجتماعی دغدغه‌مند مباحث خود را به این حوزه متمرکز و خانواده‌ها را به فرزندآوری بیشتر توصیه کنند. با این حال، برخی همچنان بر آتش این بحران می‌دمند. در این میان، می‌توان به زوجینی - یا به تعبیر بهتر والدینی - اشاره کرد که با انگیزه‌های ناصحیح، جنین خود را سقط می‌کنند؛ رفتاری که در عصر جاهلیت نیز اغلب در قالب فرزندکشی (پس از تولد) سابقه داشته است. اکنون، پرسش محوری پژوهش آن است که از منظر آیات و روایات، چه انگیزه‌هایی موجب فرزندکشی و سقط جنین در دو عصر جاهلیت و مدرن شده و می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، پاسخ‌گویی به این پرسش و تحلیل انگیزه‌ها و نقد آنها با استفاده از آیات و روایات است.

بررسی این مسئله، بدان جهت دارای اهمیت و ضرورت است که از طرفی در کشور ما، بنا بر آمار رسمی، به‌رغم وجود ابربحران پیری جمعیت و نیاز مبرم به افزایش فرزندآوری، سالانه بیش از ۵۰۰ هزار سقط جنین صورت می‌گیرد (کاظمی، ۱۴۰۳). بنابراین تحلیل ریشه‌های فرزندکشی و سقط جنین و نقد آنها، می‌تواند به‌مثابه پادزهری فرهنگی برای این پدیده مهلک اجتماعی، در کاهش آمار آن مؤثر باشد و تا حدودی از پیری مضاعف جمعیت کشور جلوگیری کند. از طرف دیگر، در زمینه این مسئله، کمبود در منابع پژوهشی - خصوصاً با محوریت آیات و روایات - وجود دارد. شیوه این پژوهش در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و مشخصاً با مراجعه به اسناد و مدارک قرآنی، روایی و تفسیری و روش پردازش آن، توصیفی - تحلیلی - تفسیری است. به لحاظ محدودیت در تعداد کلمات، تنها آیاتی که ترجمه آنها دشوار یاب بوده، ترجمه شده‌اند. در بررسی سند روایات، از نرم‌افزار درایة النور (نسخه ۱/۲) استفاده شده است.

## پیشینه پژوهش

بنابر جست‌وجو، هیچ پژوهشی یافت نگردید که این مسئله را از منظر آیات و روایات، به‌طور مستقل و تفصیلی و با توجه به همه ابعادش بررسی کرده باشد. با این حال، می‌توان به برخی پژوهش‌ها با عناوین مشابه یا نزدیک به مسئله پژوهش حاضر اشاره کرد:

بومر و دیگران (۲۰۲۵م) در مقاله «انگیزه‌های سقط جنین یا ادامه بارداری ناخواسته: مروری جامع بر ادبیات جهانی»، پژوهشی نزدیک به این اثر را سامان داده‌اند. وجه اشتراک این مقاله با پژوهش حاضر، بررسی برخی انگیزه‌های زوجین برای سقط جنین است. آنها به مسائل مالی (حقوق، خانه و...)، تحدید فرزندان، خجالت کشیدن، اضطراب از نحوه عکس‌العمل دیگران و... پرداخته‌اند.

فرداد (۱۴۰۲) در مقاله «فرزندکشی قبل از اسلام در جزیره العرب از منظر قرآن و متون تاریخی»، به انگیزه‌های فرزندکشی در عصر جاهلیت، در قرآن و منابع تاریخی پرداخته است. این مقاله به انگیزه‌های مدرن هیچ اشاره‌ای ندارد و تنها در برخی از انگیزه‌های جاهلی با پژوهش حاضر اشتراک دارد. علاوه بر اینکه، ریشه‌ها را نقد نکرده است.

حسن‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی علل سقط جنین به‌عنوان تهدیدی بر امنیت اجتماعی (مطالعه میدانی: شهرستان قم)» برخی انگیزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و... را برای سقط جنین معرفی کرده است، ولی منبع آن آیات و روایات و در پی نقد انگیزه‌ها نبوده است.

نصیری و زارعیار (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی مسئله زنده‌به‌گور کردن دختران در جزیره العرب عصر جاهلی» برخی انگیزه‌های اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی برای «وَأد البنات» که بخشی از مسئله این پژوهش است را برشمرده است.

عطار نیشابوری (۱۳۷۶) در رساله دکتری خود با عنوان بررسی علل و انگیزه‌های سقط عمدی جنین در استان کردستان، به هشت ریشه عمدتاً اجتماعی سقط جنین، مانند فقر اجتماعی، فرزند ناخواسته و مصرف دارو و هراس از نقص جنین، پرداخته است. علی‌رغم هم‌پوشانی عمده انگیزه‌ها در دو پژوهش، ولی وی به نقد قرآنی - روایی آنها نپرداخته است.

درس‌هایی از مکتب اسلام (۱۳۵۸)، در «فرزندکشی (تفسیر)» در ارتباط با محور انگیزه‌های فرزندکشی جاهلی به بیان سه انگیزه اعراب جاهلی برای کشتن فرزندان خویش پرداخته است که عبارت‌اند از: ۱. جلوگیری از سرشکستگی ازدواج دختران با مردان دشمن پس از اسیر شدن؛ ۲. احساس نفرت از دختردار شدن؛ ۳. قربانی کردن برای بت‌ها.

درس‌هایی از مکتب اسلام (۱۳۵۷)، در «فرزندکشی در آیین جاهلی / تفسیر قرآن مجید»، به بیان برخی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان فرزندکشی در عصر جاهلی و عصر فضا پرداخته است که با یکی از محورهای این پژوهش مرتبط است.

گرچه منابع فوق هریک به زاویه‌ای خاص از مسئله فرزندکشی و سقط جنین در عصر جاهلیت و مدرن (برخی از منظر قرآن) پرداخته‌اند، ولی هیچ‌یک انگیزه‌های این رفتار را مورد نقد و بررسی قرآنی - روایی قرار نداده است. وجه تمایز پژوهش حاضر با منابع پیشین، عمدتاً در همین نکته است. اکثر پژوهش‌های پیشین، فرزندکشی در عصر جاهلی و سقط جنین در دنیای مدرن را با یکدیگر مقایسه نکرده‌اند؛ بنابراین نوآوری این پژوهش را می‌توان در دو مطلب خلاصه کرد: نخست مقایسه فرزندکشی جاهلی با سقط جنین مدرن؛ و دیگری نقد قرآنی - روایی انگیزه‌های آنها.

### ضرورت و اهمیت پژوهش

اولاً این مسئله دارای اهمیت ذاتی است؛ چراکه بی‌شک امروزه همچنان جامعه اسلامی ما با پیامدهای کاهش جمعیت و پیری آن، مانند کمبود نیروی انسانی جوان و کارآمد مواجه است. علی‌رغم اینکه سقط جنین گناهی کیبیره است و ارتکاب آن می‌تواند پیامدهای ناگوار روحی و روانی برای انسان به دنبال داشته باشد، پدیده سقط جنین به شکلی بسیار عادی و حق‌به‌جانبانه رایج است. انگیزه‌های مدرنی چون بهانه‌های افزایش بی‌رویه جمعیت، فقدان منابع مالی

و اقتصادی و زیرساخت‌ها، فقیر بودن خانواده‌ها، نبود امکان تربیت بچه‌های فراوان، آسیب جدی به محیط زیست و عدم انطباق با منزلت اجتماعی جای برخی انگیزه‌های کهن را گرفته‌اند. بنابراین هرچند عصر جاهلی و رسم فرزندکشی در میان آنها به سر آمده است، اما بسیار اهمیت دارد که بتوان این انگیزه‌ها را خنثی و از مرگ جنین‌ها جلوگیری کرد؛ ثانیاً در این زمینه، فقر جدی در ادبیات پژوهشی وجود دارد؛ چراکه گرچه در این زمینه کارهایی صورت گرفته است، ولی هیچ‌کدام از آنها ما را از انجام این پژوهش (مقایسه‌ای و نقادانه از منظر قرآن و روایات) بی‌نیاز نمی‌سازد. از انضمام این دو مطلب به یکدیگر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که انجام این پژوهش موجه است.

### مفهوم‌شناسی

واژه فارسی «فرزندکشی» می‌تواند ترجمه دو تعبیر عربی باشد: یکی «وَأُدِّبْنَ» و دیگری «قتل الاولاد». تعبیر نخست به زنده‌بگور کردن دختران و دومی به کشتن فرزندان چه پسر و چه دختر - حتی به شیوه‌ای به جز زنده‌بگور کردن - اشاره دارد. این پژوهش هر دو عنوان را (به‌علاوه سقط جنین که فرزندکشی پیش از تولد است) دربر می‌گیرد. البته عدم دقت به این مطلب، موجب شده است که برخی مفسران حتی بزرگ بین این دو مفهوم خلط نمایند (ر.ک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۱۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۴)، اما برخی دیگر از مفسران به‌درستی این دو مفهوم را از یکدیگر جدا ساخته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۸۵).

لغت‌شناسان واژه «الجاهلیه» را که مصدر جعلی از ماده «جهل» و در برابر علم، عقل و حکم به کار می‌رود، به زمانی پیش از اسلام اطلاق می‌کنند که در آن هیچ پیامبری مبعوث نشده بود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۹۰). به لحاظ گستره زمانی، برخی محققان عصر جاهلیت را به ۲۰۰ تا ۱۵۰ سال پیش از اسلام محدود کرده‌اند (معموری و خوش‌سخن مظفر، ۱۳۸۹، ص ۷۵).

در آیه ۳۳ سوره احزاب، از تعبیر «الجاهلیة الأولى» (= جاهلیت نخستین) استفاده شده است که بر جاهلیت پیش از بعثت رسول خدا ﷺ دلالت دارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۰۹). از آمدن وصف «الأولی» آشکار می‌شود که جاهلیت مصداق دیگری نیز دارد که گرچه پس از اسلام ظهور می‌کند، ولی باورها و رفتارهای جاهلی مانند کفر و فسق دوباره جان می‌گیرند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۳۷). مقصود ما از واژه «جاهلیت»، دوره‌ای است که از عصر جاهلی پیش از اسلام تا عصر پیشرفت‌های تکنولوژیک عصر مدرن و حتی پس از آن را شامل می‌شود و در آن رسم فرزندکشی متداول بوده و هست، با این تفاوت که آن جاهلیت پیشین بوده است و این جاهلیت پسین.

به «بچه که در شکم مادر باشد»، جنین می‌گویند. سقط جنین نیز به‌معنای جنین افکندن و جنین انداختن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۷۸۸). سقط جنین در اصطلاح پزشکی قانونی عبارت است از: «اخراج عمدی یا مصنوعی یا خروج خودبه‌خود بار حمل قبل از موعد طبیعی». در کنار سقط مرضی که در آن جنین خودبه‌خود از رحم خارج می‌شود، سقط جنایی (عمدی) و طبی دو قسم دیگر سقط هستند (گودرزی، ۱۳۷۴، ص ۵۹۳). مقصود از سقط در این پژوهش، سقط جنایی است.

## ۱. انگیزه‌های فرزندکشی در عصر جاهلیت

باورها و انگیزه‌ها، نقش بنیادین و زیربنایی برای یک نظام فکری درست یا غلط را ایفا می‌کنند. در عصر جاهلیت، باورهای کژکار و خرافی خاصی دربارهٔ فرزندان - دختر یا پسر - رایج بودند که منشأ شکل‌گیری انگیزهٔ فرزندکشی می‌شدند.

### ۱-۱. انگیزه‌های جاهلی در خصوص دخترکشی

پدیدهٔ دخترکشی (= وأد البنات) یا همان زنده‌به‌گور کردن دختران، در میان برخی اعراب جاهلی متداول‌تر از فرزندکشی به‌طور عام - یعنی کشتن دختر و پسر - بوده است. برخی معتقدند که این رسم در میان عرب جاهلی، به رگه‌هایی از برخی عقاید دینی قدیمی در میان اعراب جاهلی باز می‌گردد. مقصود از دین در اینجا، دین تحریف‌شدهٔ موجود میان آنهاست. اعراب جاهلی دین واحدی نداشتند، ولی عدهٔ زیادی از آنان بت‌پرست بودند (ر.ک: معموری و خوش‌سخن مظفر، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

### ۱-۱-۱. دختران؛ آفریدگان پلید شیطان

عرب جاهلی شیطان را به‌عنوان موجودی خاص قبول داشت و او را دارای تأثیر در عالم می‌دانست. این را می‌توان از برخی خطاب‌های قرآنی که شامل مفهوم شیطان است، فهمید؛ چراکه اعراب جاهلی نیز در مواجهه با آنها، وجود شیطان را می‌پذیرفتند و از چپستی او نمی‌پرسیدند. در آیه‌ای خطاب به همهٔ مردم - شامل مؤمن و کافر - آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چه اینکه او دشمن آشکار شماست (ر.ک: بقره: ۲۷۵؛ نساء: ۱۲۰).

گروهی از اعراب جاهلی - مانند ثویین (= دوگانه‌پرستان) که بخشی از مخلوقات عالم را آفریدهٔ خدا و بخشی دیگر را مخلوق شیطان می‌دانستند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۱) - چنین می‌پنداشتند که دختران آفریدگان پلید شیطان هستند و در پی فریب مردان، پس باید آنها را کشت تا از شرشان خلاص شد (معموری و خوش‌سخن مظفر، ۱۳۸۹، ص ۷۸). بنابراین آنها خود را آفریدگان خداوند می‌دانستند و به این جهت خود را از دختران و زنان در جایگاه اجتماعی بالاتری می‌دیدند: «وَلَيْسَ سَاءَ لَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ» (زخرف: ۹).

از این مطلب روشن می‌گردد که این باور منجر به یک ارزش‌گذاری اجتماعی در میان آنها شده بود؛ از این‌رو آنها دختران را به لحاظ اجتماعی، پایین‌تر از خود به حساب می‌آوردند و خود را بر کشتن آنها کاملاً مسلط و این کار را موجه می‌دانستند. گرچه این انگیزه برای دخترکشی به‌طور کلی در منابع تاریخی مورد اشاره است، اما در آیات قرآن سخنی از آن به میان نیامده است.

## ۱-۲. لزوم ملحق ساختن دختران به ملائکه

مشرکان در جاهلیت، فرشتگان را دختران خداوند می‌دانستند. قرآن در این باره می‌فرماید: «أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا» (اسراء: ۴۰)؛ آیا پروردگارتان فرزندان پسر را مخصوص شما ساخته، و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگ (و بسیار زشتی) می‌گویید. یکی از انگیزه‌های زنده‌به‌گور کردن دختران توسط عرب جاهلی، آن بود که دختران خود را بکشند و به فرشتگان، یعنی دختران خدا ملحق سازد. در این صورت دختران همگی از آن خداوند و پسران همگی از آن اعراب جاهلی بودند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۶۶).

## ۱-۳. غیرت بیجا نسبت به دختران

انگیزه دیگر برای دخترکشی آن بود که آنان در آینده کاری می‌کنند که مایه عار و سرشکستگی پدرانشان می‌شود. توضیح آنکه، قبیله بنی تمیم از پرداخت مالیات خود به نعمان بن منذر امتناع کرد، او هم به آنها حمله‌ور شد و از جمله تعدادی از زنان و دختران آن قبیله را به اسارت خود درآورد. پس از مدتی مردان بنی تمیم برای جلب عواطف نعمان و بازپس‌گیری اسرا که غالباً دختر بودند، به نزد او رفتند، وی اسیران را بین ماندن و ازدواج با مردان قبیله خود یا بازگشت با پدرانشان مخیر کرد. همه دختران برگشتند، جز دختر قیس بن عاصم که ماندن را ترجیح داد. این مطلب بر قیس بسیار گران آمد و تصمیم گرفت از آن به بعد اگر صاحب دختری شد، در همان کودکی به عمر او خاتمه دهد، تا گرفتار چنین سرشکستگی نشود (شریسی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۲).

بنابراین رسم زنده‌به‌گور کردن دختران از قبیله بنی تمیم آغاز شد و رفته‌رفته به قبایل دیگری همچون قیس، اسد، هذیل، بکر بن وائل سرایت کرد. عمل ناشایست این قبایل، درواقع، ناشی از نوعی غیرت افراطی و بیجا نسبت به دخترانشان بود؛ چراکه آنها حاضر بودند دخترکان معصوم خود را با دست خود زنده‌زنده دفن کنند، ولی شاهد نباشند که آنان با مردانی از قبیله دشمن ازدواج کنند (درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۳۵۸، ص ۷).

برخی مفسران، ذیل آیه هشتم سوره تکویر (وَإِذَا الْمَوْءَدَةُ سُئِلَتْ) می‌نویسند: «رسم عرب بر این بود که دخترانشان را به خاطر غیرت [بیجا] می‌کشتند» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۰۷؛ نیز ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۶۶).

در برخی روایات آمده است که روزی قیس بن عاصم نزد رسول خدا ﷺ بود که برخی اصحاب از زنده‌به‌گور کردن دخترانشان به دست او سخن به میان آوردند. او گفت: هیچ دختری برایم زاده نشد، مگر آنکه او را زنده‌به‌گور کردم، ولی تنها در یک مورد دل‌م سوخت؛ آن هم زمانی بود که مدتی در سفر بودم و همسرم باردار بود. وقتی برگشتم او وضع حمل کرده بود. از او سراغ بچه را گرفتم، او گفت که مرده به دنیا آمد؛ حال آنکه او دختر زاییده بود و او را به بعضی از دایی‌هایش داده بود. چند سالی گذشت، روزی دختری را دیدم که موهای بلندی داشت و ... من از زیبایی او به تعجب آمدم. از همسرم پرسیدم که او کیست؟ او گریست و گفت که این دختر خود توست! آن موقع چیزی نگفتم.

وقتی همسر مشغول کاری شد، دست دختر را گرفتم و با خود به صحرا بردم، او را در میان حفراهی انداختم و بر روی او خاک ریختم. پیوسته می‌گفت: ای پدر! آیا مرا با خاک می‌پوشانی؟ آن قدر خاک روی او ریختم که صدایش خاموش شد. تنها برای این دخترم دلم سوخت. سخن که به اینجا رسید، چشمان رسول خدا ﷺ پر از اشک شد و فرمود: «کسی که رحم نکند، مورد رحمت خدا قرار نخواهد گرفت» (شریعی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۰-۵۱).

یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ از قیس پرسید: تو که ثروتمندترین عرب بودی، چه چیز تو را بر کشتن دختران وادار کرد؟ قیس گفت: از ترس اینکه با چون تویی ازدواج کنند، یعنی از روی غیرت (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۹۸). از این اعتراف معلوم می‌شود که رسم زنده‌به‌گور کردن دختران دست کم در برخی موارد با فقر ارتباطی نداشته است. یکی دیگر از انگیزه‌های عرب جاهلی برای زنده‌به‌گور کردن دختران که با انگیزه پیشین قرابت دارد، آن بود که آنها به شدت از جنس مؤنث نفرت داشتند. قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَأَدَّأ بُشْرَ أَحَدِهِمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ / تَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل: ۵۸-۵۹)

درحالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود، و به شدت خشمگین می‌گردد... به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می‌کنند!

در آیه نخست اشاره‌ای به چرایی نفرت آنان از جنس مؤنث نشده است، ولی از آیه دوم چنین برمی‌آید که آنان از خود دختردار شدن بدشان می‌آمده است و نفرت داشته‌اند. برخی تفاسیر نوشته‌اند که چنین پدری مردد بود که آیا از روی خجالت و شرم از مردم متواری شود یا او را با سرشکستگی نگاه دارد و پسران را بر او ترجیح دهد (مراغی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۹۷).

## ۲. نقش مادران در دخترکشی

در برخی منابع آمده است که دست کم برخی مادران نیز در آن عصر، خود در کشتن دخترانشان نقش ایفا می‌کردند. برخی مفسران از ابن عباس چنین گزارش کرده‌اند که در عصر جاهلیت، متداول بود که هنگام نزدیک شدن وضع حمل زن، او بر روی حفراهی فرزند خود را به دنیا می‌آورد، پس اگر نوزاد دختر بود، او را در همان حفره رها می‌کرد تا در همان جا بمیرد و اگر پسر بود، او را با خود می‌برد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۷۴).

این نهایت قساوت از سوی مادری که باید نماد مهربانی خداوند باشد، می‌تواند حاکی از دو احتمال باشد: نخست آنکه فضای فرهنگی فرزندکشی به قدری در جامعه رواج داشته است که مادران نیز با آن هم‌نوا شده بودند؛ یا اینکه مردان بسیار خشن آن روز به قدری بر مادران سخت می‌گرفتند که آنها با اکراه دست به چنین کاری می‌زدند. البته احتمال دوم ضعیف‌تر است؛ چراکه مادران می‌توانستند تدابیر دیگری برای زنده نگه داشتن دخترانشان انجام دهند؛ مثل اینکه برخی مادران دختران خود را مخفیانه بزرگ می‌کردند که نمونه‌ای از آن در ماجرای قیس بن عاصم گذشت.

قرآن بیان می‌فرماید که هنگامی که رسول خدا ﷺ از زنان باایمان بیعت گرفت، یکی از مفاد آن بیعت این بود: «وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ» (ممتحنه: ۱۲)؛ فرزندان خود را نکشند. معلوم می‌شود که زنان نیز در رسم غلط فرزندکشی دخالت داشته‌اند که از آنان بر ترک این کار بیعت گرفته شد. جالب توجه آن است که برخی مفسران در تفسیر این آیه، کشتن فرزند از طریق زنده‌به‌گور کردن، شیوه‌هایی غیر از آن و سقط جنین را از نمونه‌های این جمله دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۹، ص ۲۴۲؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۶).

## ۱-۲. انگیزه عام جاهلی در فرزندکشی؛ قربانی کردن برای بت‌ها

در عناوین گذشته، از سه انگیزه در ارتباط با پدیده دخترکشی در عصر جاهلیت سخن به میان آمد. شاید از تعدد این انگیزه‌ها بتوان چنین استنباط کرد که دخترکشی در میان اعراب جاهلی نسبت به دیگر انواع فرزندکشی از رواج بیشتری برخوردار بوده است؛ چراکه دلیل انجام آن بیشتر موجود بوده است. اما آنچه در ادامه می‌آید انگیزه‌هایی عام در ارتباط با فرزندکشی (چه دختر و چه پسر) بودند که چه‌بسا نسبت به دخترکشی از نمونه‌های کمتری برخوردار بودند. اعراب جاهلی در آیین دینی دیگری، برای حاجت‌روا شدن به حاجتی بزرگ، برای بت‌های خود نذر می‌کردند؛ مثل اینکه اگر صاحب تعداد خاصی فرزند شدند، یکی از آنها را در مقابل بت‌ها قربانی کنند. البته این مطلب اختصاص به قربانی کردن دختران نداشت (درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۳۵۸، ص ۱۰). قرآن آیاتی را به بیان این آیین جاهلی اختصاص داده است: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ» (انعام: ۱۳۷)؛ همین‌گونه شرکای آنها [= بت‌ها]، قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند، (کودکان خود را قربانی بت‌ها می‌کردند، و افتخار می‌نمودند!) سرانجام آنها را به هلاکت افکندند و آیین‌شان را بر آنان مشتبه ساختند.

از کلمه «أَوْلَادِهِمْ» که بر پسران و دختران صدق می‌کند، به این مطلب می‌توان پی برد که این رسم اختصاصی به دختران نداشته است؛ همچنین از عبارت «بسیاری از مشرکین»، معلوم می‌شود که قربانی کردن فرزند برای بت‌ها در میان آنها رفتاری همگانی نبوده است، بلکه - آن‌گونه که در برخی تفاسیر آمده است - تنها قبایلی مانند «ربیع» و «مَضَر» که بیشتر عرب آن زمان را تشکیل می‌دادند، به این کار می‌پرداختند. از میان این دو قبیله بزرگ نیز، همه پدران فرزندانشان را برای بت‌ها قربانی نمی‌کردند؛ پس عده کمی از انجام این کار خودداری می‌کردند و بسیاری از مشرکان بدان عمل می‌کردند.

در معنای تزیین کردن این عمل توسط بت‌ها دو احتمال می‌رود: یا اینکه شیطان واقعاً تزیین‌کننده است و یا اینکه بزرگان آنها این مطلب را بینشان منتشر ساخته بودند و آن را به‌عنوان یک آیین مذهبی ترویج کرده بودند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۷۴-۷۵).

هدف شیاطین از ترویج این فرهنگ، آن بود که «سرانجام آنها را به هلاکت افکند». بنابراین کشتن فرزند اگر به یک فرهنگ فراگیر در جامعه تبدیل شود، رفته‌رفته جامعه دچار هلاکت می‌شود. فرزندان کوچک چون حلقه‌های

اتصال بین این نسل با نسل‌های بعدی هستند و اگر این حلقه‌ها به هر دلیلی از هم جدا شوند، نسل بعد بسیار ضعیف و کم‌جمعیت شکل خواهد گرفت یا اساساً منقرض خواهد شد. در این صورت، شیطان به آرزوی دیرینه خود، یعنی ضربه زدن هرچه بیشتر به بنی‌آدم خواهد رسید.

این سنت جاهلی برخاسته از نگرشی غلط به بت‌ها بود؛ چراکه اعراب جاهلی می‌انگاشتند که بت‌ها در عالم هستی دارای تأثیر استقلالی و بر برآورده ساختن حاجت‌های مردم قادرند؛ از این رو آنها حقیقتاً بت‌ها را می‌پرستیدند و این پرستش را مایه نزدیکی به خدا می‌دانستند:

«أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِيمَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (زمر: ۳)؛

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: «این‌ها را نمی‌پرستیم مگر به خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند»، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند؛ خداوند آن کس را که دروغ‌گو و کفران‌کننده است هرگز هدایت نمی‌کند.

جمله پایانی این آیه، به روشنی حاکی از آن است که مشرکان در این باور خود، گمراه و دروغ‌گو بودند و خداوند آنها را از این حالت خارج نمی‌سازد و در گمراهی‌شان باقی می‌گذارد.

به وجود آمدن جمعیتی خاص در یک جامعه، مرهون سه حرکت جمعیتی در آن، یعنی زادوولد، مرگ‌ومیر و مهاجرت است (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۸۷). بدیهی است که با کشتن فراگیر دختران و پسران نورس، به سرعت دو حرکت زادوولد و مرگ‌ومیر تا حدود زیادی همدیگر را خنثی می‌کنند و خسارت غیرقابل جبرانی به نرخ باروری کل (TFR) در آن جامعه وارد خواهد آمد. شاید جمله «لیردوهم»؛ تا [شیاطین] آنها را به هلاکت افکنند، به همین واقعیت اشاره باشد، یعنی شیاطین اراده کرده‌اند که آنها را از طریق کشتن اولاد نابود کنند.

قرآن در یکی دیگر از آیات مربوط به قربانی کردن فرزندان برای بت‌ها و در برابر آنها می‌فرماید:

«قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» (انعام: ۱۴۰)؛

به یقین آنها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند؛ (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند و (هرگز) هدایت نیافته بودند.

در منطق قرآن، جدای از گناه بودن فرزندکشی، این کار سفیهانه و نابخردانه است و به یقین موجب خسارت انسان در دو عالم می‌گردد. خسارت اخروی کشتن فرزند، گرفتار آمدن در عذاب ابدی الهی است. شاهد این مدعا آن است که خداوند در آیات قرآن چندین بار از این کار نهی فرموده است (ر.ک: انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۳۱ و ۳۳)؛ اما خسارت دنیایی آن، عبارت است از محروم ساختن خود از فواید فراوانی که فرزند در دنیا برای والدین خود به دنبال دارد که مهم‌ترین آنها حمایت مالی از والدین در صورت نیازمندی آنان (ر.ک: شعراء: ۱۳۳؛ نیز ر.ک: کلینی،

۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۳، ح ۱)، یا حمایت عاطفی و مراقبتی در زمان بیماری و پیری آنها است (ر.ک: اسراء؛ ۲۳؛ نیز ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۷؛ برای مطالعه تفصیلی درباره سودمندی فرزند برای والدین، ر.ک: سقایی‌ریا، ۱۴۰۳؛ صادقیان کاخکی، ۱۳۹۴).

انگیزه دیگر برای کشتن اولاد در عصر جاهلی و مدرن - به‌طور مشترک - فقر یا ترس از آن و «ترجیح جنسیتی» است که در محور چهارم خواهد آمد.

### ۳. انگیزه‌های سقط جنین در عصر مدرن

در عصر حاضر نیز که از جهت زنده شدن رسم فرزندکشی به شکلی دیگر (= سقط جنین) می‌توان آن را جاهلیت آخری (= دیگر) نامید، افرادی هستند که در واقع، در این رسم غلط به عرب جاهلی اقتدا کرده‌اند و حتی گاه گوی سبقت را از او برده‌اند؛ هرچند در طریقه انجام آن با آنان تفاوت‌هایی تکنیکی دارند.

#### ۳-۱. انگیزه‌های اصلی و پرتکرار سقط

امروزه به‌جز فقر و ترس از آن - که در قرآن به‌عنوان انگیزه مشترک فرزندکشی در زمان جاهلیت و عصر مدرن مطرح خواهد شد - انگیزه‌های جدید دیگری نیز برای سقط جنین وجود دارد. در ارائه گزارشی از انگیزه‌های سقط، رئیس سابق مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت اعلام کرد: در سطح ملی، سه انگیزه اصلی و پرتکرار برای سقط جنین در این روزها عبارت‌اند از: ۱. تمایل به تحدید فرزندان (تحت تأثیر شعارهای تنظیم خانواده)؛ ۲. مشکلات مالی که در انگیزه‌های مشترک بررسی خواهد شد؛ ۳. بدموقع بودن بارداری به‌طور مثال هم‌زمان شدن آن با زمان تحصیلات مادر (اکوایران، ۱۴۰۳).

#### ۳-۲. انگیزه‌های مرتبط با سلامت مادر یا جنین

عده‌ای دیگر از پژوهشگران، از زاویه نگاهی دیگر، به انگیزه‌های بهداشتی سقط جنین اشاره کرده‌اند. برخی والدین انگیزه‌های افراطی‌گونه دارند که فرزندشان سلامت تام داشته باشد؛ بنابراین حتی اگر نقص فرزند محتمل باشد، حاضرند او را سقط کنند. برخی موارد مرتبط با سلامت مادر و کودک عبارت‌اند از: ۱. بدون اطلاع از بارداری، مادر در معرض ویروس سرخجه قرار بگیرد (که اثرات جبران‌ناپذیر و خطرناکی بر جنین دارد)؛ ۲. بیماری مادر (به‌گونه‌ای که ادامه بارداری برای او خطرناک باشد)؛ ۳. نقایص جسمی و شناختی جنین (چینی‌چیان و دیگران، ۱۳۸۶).

#### ۳-۳. انگیزه‌های اجتماعی

یکی دیگر از انگیزه‌های سقط جنین، مربوط به شرایط اجتماعی خانواده است و گاه بارداری به دلایل مختلف اجتماعی برای زوجین ناخواسته است: ۱. اختلاف زن و شوهر و امکان حاد شدن آن؛ ۲. ترجیح جنسیتی خاص برای جنین؛ ۳. فاصله کم بین بارداری‌ها؛ ۴. سن کم یا بالای مادر و مخاطره‌های بارداری؛ ۵. مسائل شغلی یا تحصیلی مادر؛ ۶. اعتیاد

شوهر؛ ۷. بارداری نامشروع؛ ۸. بارداری در زمان عقد یا ابتدای ازدواج (چینی چیان و دیگران، ۱۳۸۶).  
از دیگر انگیزه‌های پرتکرار برای سقط جنین که ناشی از فرهنگ غلط غرب است، می‌توان به راحت‌طلبی والدین عمدتاً در زندگی شهرنشین (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۷) و باور زن به بر خورداری از حق مدیریت بدن خویش اشاره کرد. در این نگاه فمینیستی، جنین بخشی از بدن زن تلقی می‌شود و او می‌تواند نسبت به نگاه داشتن یا سقط آن تصمیم‌گیری کند (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۴؛ گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۲۷۱).

#### ۴. مقایسه فرزندکشی جاهلی و سقط جنین مدرن

بین فرزندکشی در عصر جاهلی و سقط جنین در عصر مدرن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که در این محور برخی از آنها بررسی می‌شوند.

##### ۴-۱. شباهت‌ها

###### ۴-۱-۱. قساوت قلب شدید

قساوت قلب والدینی که قاتل فرزندان خود می‌شوند، تا آنجاست که در عصر جاهلی دختران خود را به روش‌هایی بسیار خشن از بین می‌بردند. آنها گاه دختر خود را زنده به گور می‌کردند (که این روش بیشتر در این مورد شنیده شده است)، گاه دهان او را با خاک پر می‌کردند، گاه راه نفس او را سد می‌کردند، گاه او را در آب می‌انداختند تا خفه شود، گاه او را در حفرة‌ای یا بر درختی رها می‌کردند تا درنده‌ای او را بدرد و حتی گاه او را ذبح می‌کردند (نصیری و زارعکار، ۱۳۹۶، ص ۲۳۲)؛ امروزه نیز والدین رضایت می‌دهند که پزشک با انجام عمل بی‌رحمانه کورتاژ، جنین زنده را تکه‌تکه کند و اعضای قطعه‌قطعه‌شده او را از رحم مادر خارج سازد. حاصل آنکه، بشر پرمدعای عصر مدرن، همان خوی و خصلت اعراب جاهلی را دارد و تنها با توجیه این حالت، فرزندان خود را به مذبح می‌فرستد.

###### ۴-۱-۲. اشتراک در برخی انگیزه‌ها

**دوری از فقر:** یکی دیگر از باورهای غلط رایج در میان اعراب جاهلی و مردمان عصر مدرن، آن است که همان‌گونه که ظاهر امر چنین می‌نماید، روزی فرزند به‌دست والدین اوست؛ یعنی آنها خود مستقلاً باید تلاش کنند و وسائل زندگی فرزندان‌شان را مهیا سازند؛ بنابراین اگر آنها برخوردار و غنی باشند، به‌راحتی می‌توانند نیازهای فرزندان‌شان را تأمین کنند و گرنه در صورت فقیر بودن، در تأمین معیشت فرزندان خود دچار مشکل جدی خواهند شد؛ از این‌رو بنا بر این منطق، والدین با مشاهده نشانه‌های فقر در زندگی خود (مانند بروز قحطی، خشک‌سالی و مشکلات مالی)، خود را مجاز می‌دانند که با کشتن فرزند خود (پیش از تولد یا پس از آن) از تعداد نان‌خورهای خود بکاهند؛ خصوصاً دختران که بیشتر مصرف‌کننده تلقی می‌شوند تا تولیدگر.

قرآن از میان چند انگیزه جاهلی موجود برای فرزندکشی، عمدتاً به یک انگیزه محوری در این زمینه پرداخته

است، و آن فقر موجود یا ترس از فقر در آینده است. خداوند در دو آیه به‌صراحت از فرزندکشی به خاطر فقر یا ترس از آن نهی می‌فرماید. در آیه ۱۵۱ سوره انعام آمده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ»؛ و فرزندانتان را از روی فقر نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم (با کمی تصرف در ترجمه). برخی تفاسیر این آیه را بر زنده‌به‌گور کردن دختران تطبیق داده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۱۸) که با توجه به انگیزه‌های دیگری که راجع به کشتن دختران وجود داشت، سخنی نادرست است، مگر اینکه مقصود آن باشد که عرب جاهلی وقتی می‌خواست فرزندى را از روی فقر از بین ببرد، او را نیز زنده‌به‌گور می‌کرد.

گرچه مخاطب اولیه این دو آیه مشرکان عرب هستند، ولی فراگیری آنها نسبت به دیگر مخاطبان در طول زمان به قوت خود باقی است. از این جهت است که این انگیزه بین اعراب جاهلی و مردمان عصر مدرن مشترک تلقی شده است. **ترجیح جنسیتی:** در اینجا تنها اشاره می‌شود که همان‌گونه که اعراب جاهلی از دختردار شدن کراهت داشتند و جنس مذکر را ترجیح می‌دادند، برخی از مردمان عصر مدرن نیز جنس خاصی از فرزند را ترجیح می‌دهند و ممکن است در صورت باردار شدن زن به جنس دیگر، حتی به سقط جنین اقدام کنند. گرچه این انگیزه در عصر مدرن به فراگیری آن در عصر جاهلیت نیست، ولی به‌هرحال، برخی از سقط جنین‌ها در دنیای حاضر مستند به آن است (ر.ک: چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۶-۲۸۹).

## ۴-۲. تفاوت‌ها

### ۴-۲-۱. مباشرت و عدم مباشرت

عرب جاهلی به دلیل برخوردار نبودن از امکانات تکنولوژیک کشتار فرزند، معمولاً تا زمان تولد صبر می‌کرد و پس از آن به روش‌های طبیعی پیش‌گفته مباشرتاً فرزند را می‌کشت. برخلاف امروزه که به شکل متمدنانه و معمولاً با دخالت پزشک متخصص، در زمان بارداری، جنین را با استفاده از داروهای سقط جنین یا انجام عمل‌های گوناگون تهاجمی مانند کورتاژ سقط می‌کنند.

### ۴-۲-۲. خرافه محض و تمدن‌نما

اعراب جاهلی بنابر برخی خرافه‌های خودساخته دست به فرزندکشی می‌زدند، ولی بشر قرن ۲۱ برای این کار شنیع خود توجیه‌هایی علمی و به ظاهر موجه می‌آورد. آن‌گونه که گذشت، آنها این کار را مصداق «حق انتخاب» والدین یا «حق مدیریت زن نسبت به بدن خویش» می‌دانند، اما شکی نیست که آن‌گونه که در نقد این انگیزه‌ها خواهد آمد، این موارد مدرن نیز خرافه‌هایی در پوسته فرهنگ و تمدن جدید هستند.

### ۴-۲-۳. کودک‌کشی یا سقط جنین

یکی دیگر از تفاوت‌های قتل فرزند در عصر جاهلی با سقط جنین در عصر مدرن، آن است که اعراب جاهلی به انگیزه‌هایی مانند ترس از فقر یا قربانی کردن فرزند برای بت‌ها، به کشتن فرزندان خود - حتی اگر آن فرزندان از

دوران نوزادی گذشته و بزرگ‌تر شده بودند نیز - دست می‌زدند، و این عمل بین آنها رایج و پذیرفته بود، اما امروزه کشتن فرزندی که به دنیا آمده است جامعه‌پذیر نیست و در همه‌جا جرم تلقی می‌شود، برخلاف سقط جنین که برای آن توجیه‌هایی علمی و منطقی می‌آورند.

آیا عرب جاهلی نیز جنین خود را سقط می‌کرد؟ باید گفت: برخی تفاسیر - که کلامشان ذیل عنوان «نقش مادران در فرزندکشی» گذشت - پاسخ‌شان مثبت است. این پاسخ دور از ذهن نیست؛ چراکه ممکن است اعراب جاهلی نیز به گیاهانی دارویی دست یافته بودند که چنین تأثیری داشت؛ چنانچه در روایت معتبری از امام باقر علیه السلام آمده است که زنی به منظور سقط کردن دوایی خورد و جنین خود را سقط کرد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۳۴۴، ح ۶). اما با استفاده از قاعده «لو کان لَبَانٌ»؛ اگر بود آشکار می‌شد، می‌توان گفت که قطعاً چنین کاری بین آنها به رواج فرزندکشی پس از تولد نبوده است.

## ۵. نقد انگیزه‌های فرزندکشی و سقط جنین

### ۵-۱. نقد انگیزه‌های جاهلی

۱. گذشت که اعراب جاهلی دختران را آفریدگان پلید شیطان می‌دانستند. در آیه‌ای با صراحت تمام آمده است: «وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ» (نجم: ۴۵)؛ و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید (نیز ر.ک: رعد: ۱۶؛ زمر، ۶۲؛ غافر: ۶۲). از سیاق این آیه می‌توان دریافت که خداوند تنها کسی است که مرد و زن را می‌آفریند؛ بنابراین دختران نیز آفریدگان خداوند هستند.

۲. برخلاف اعتقاد اعراب جاهلی، بت‌ها در هستی تأثیری ندارند؛ نه نفعی می‌رسانند و نه ضرری را از کسی دور می‌کنند: «وَأَتَّخِذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ أَن نَّكْفِيَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا» (فرقان: ۳). موجودی که خود آفریده خداست و نمی‌تواند به خودش نفعی برساند یا ضرری را از خود دور کند، چگونه می‌تواند منشأ نفع و ضرر برای دیگران باشد؟! او چگونه می‌تواند حاجت انسان‌ها را برآورده سازد تا اینکه برای او نذر قربانی کردن فرزند صورت گیرد؟!

۳. خداوند این تقسیم را (که دختران برای خدا و پسران برای مشرکان باشند)، تقسیمی ناعادلانه می‌داند (ر.ک: نجم: ۲۱-۲۲). البته این بدان معنا نیست که نزد خداوند، جنس مؤنث ارزش کمتری از جنس مذکر دارد (قرآن دختر و پسر را هدیه الهی و ارزشمند می‌داند) (ر.ک: شوری: ۴۹)، بلکه از آن جهت ناعادلانه است که آنها آنچه خود دوست داشتند را برای خود و آنچه نمی‌پسندیدند را برای خدا می‌دانستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۶۸). خداوند اساساً فرزند ندارد (ر.ک: اخلاص: ۳) که بخواهد دختر داشته باشد: «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یونس: ۶۸؛ نیز ر.ک: مریم: ۹۳).

همچنین این برخلاف حکمت خداوند است که دخترانی را به انسان روزی کند و بعد از او بخواهد که آنان را به

قساوت‌مندانه‌ترین شکل بکشد تا به دختران خداوند (= ملائکه) ملحق شوند. اگر چنین بود، او از اول دختران را به دنیا نمی‌آورد، بلکه آنها را در میان فرشتگان خود می‌آفرید.

۴. قرآن در سوره تکویر در دو آیه کوتاه، رسم زنده‌به‌گور کردن دختران توسط اعراب جاهلی را به شدت نکوهش می‌کند: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ \* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۹۸)؛ و در آن هنگام که از دختران زنده‌به‌گور شده سؤال شود به کدامین گناه کشته شدند؟ و آنها جواب خواهند داد به هیچ گناهی! (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۷۴). از این آیه، به روشنی آشکار می‌شود که هیچ‌یک از این باورها و انگیزه‌ها، عرب جاهلی را نسبت به دخترکشی خود برحق نمی‌ساخت و این عمل کاملاً جنایتکارانه و ظالمانه بوده است. این مطلب از استفهام انکاری «به کدامین گناه کشته شدند؟» و پاسخ آن برمی‌آید.

## ۵-۲. نقد انگیزه‌های مدرن

۱. دین اسلام زوجین را به تکثیر نسل ترغیب می‌کند؛ چراکه فرزند خود ارزشمند و برای دیگران سودمند است (ر.ک: سقایی بی‌ریا، ۱۴۰۳). اگر امروزه برخی تحت تأثیر تبلیغات تنظیم خانواده، داشتن فرزندان متعدد را مایه سرشکستگی خود می‌دانند، باید دانست که تکثیر نسل مسلمان موجب مباهات رسول خدا ﷺ در روز قیامت است. در روایت معتبری از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا ﷺ آمده است: «أَكْتَرُوا الْوَالِدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲، ح ۳)؛ زیاد فرزند بیاورید؛ چراکه فردا [ی قیامت] با شما بر دیگر امت‌ها مباهات خواهیم کرد. در روایت دیگری از امام کاظم علیه السلام به نقل از رسول خدا ﷺ گویی به علت این مباهات اشاره شده است: «لَلْمَوْلُودِ مِنْ أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۵۸، ح ۳۵۸۲)؛ یک مولود از امت اسلام نزد من از هر آنچه خورشید بر آن می‌تابد، محبوب‌تر است. اگر فرزند بدین پایه ارزشمند است، پس تکثیر آن کاری عاقلانه و همراه با افتخار است.

۲. در ارتباط با بارداری‌های ناخواسته که به هر دلیل مطلوب زوجین نیستند، باید گفت که در منطق قرآن، خیر یا شر بودن چیزی به ظاهر آن نیست؛ چه بسا انسان چیزی را در ظاهر ناخوشایند بداند، ولی خداوند در باطن آن خیر فراوان قرار دهد: «فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹). چه بسیار جنین‌هایی که به دلیل احتمال نارسایی یا بیماری، در بدو امر ناخواسته بوده‌اند، ولی پس از تولد و رشد یافتن، منشأ برکات فراوانی برای خانواده و جامعه شده‌اند؛ دست‌کم آنها - حتی در صورت مریضی جسمی یا ذهنی - موجب استحکام خانواده در جهت حمایت و نگهداری از آنها گشته‌اند.

بنابراین به‌صرف احتمال بروز مشکلاتی برای جنین، نباید تصمیم به سقط آن گرفت؛ چراکه ممکن است ایرادی در تشخیص بوده باشد و جنین سالم باشد. علاوه بر آن، باید با توکل به خداوند و توسل به اهل‌بیت علیهم السلام از خداوند سلامت جنین را خواستار شد. حتی اگر یقین حاصل شود که فرزند مثلاً مشکلی در رشد جسمی یا شناختی خود دارد، ولی با این حال، می‌تواند به حیات خود ادامه دهد، آیا صرف این، موجب می‌شود که به‌راحتی به سقط کردن او فکر

کنیم؟ آیا این نوعی خودخواهی نیست که صرفاً برای راحتی خود حق حیات را از انسانی ولو ناقص یا بیمار بگیریم؟ والدین باید به این ایمان برسند که خداوند وسیله آزمایش آنان را در ابتلایشان به چنین فرزندی قرار داده است. اگر آنان به تقدیر الهی راضی باشند و وظیفه خود را در نگهداری و رسیدگی به طفل به نحو احسن انجام دهند، قطعاً خداوند این سختی‌ها را جبران خواهد نمود و پاداش عظیمی به آنان عطا خواهد فرمود: «وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا» (فرقان: ۲۰)؛ و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شکیبایی می‌کنید (و از عهده امتحان برمی‌آیید)؟! و پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده است. یا در جایی دیگر فرموده است: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن: ۱۵)؛ اموال و فرزندانان فقط وسیله آزمایش شما هستند و خداست که پاداش عظیم نزد اوست.

۳. بر فرض که بگوییم زن حق مدیریت بدن خود را دارد، چه کسی گفته است و اگر بگوید، ادعای او پذیرفته است که جنین جزئی از بدن اوست. جنین موجودی است که در بدن زن نشو و نما می‌یابد، نه عضوی از بدن او. شاهد این مطلب آن است که اولین هسته شکل‌گیری جنین که نطفه است، متشکل از اجزایی از بدن مرد و زن (اسپرم و تخمک) است که قرآن نیز این حقیقت را تأیید کرده است (ر.ک: انسان: ۲؛ طارق: ۷-۶). بنابراین زن یا همان مادر جنین حق ندارد درباره جنین خود هر تصمیمی - ولو به سقط جنین عمدی بینجامد - بگیرد.

### ۵-۳. نقد انگیزه‌های مشترک

۱. درباره توهم روزی‌رسانی والدین به فرزند، بین جامعه جاهلی و اسلامی امروز تا حدود زیادی اشتراک وجود دارد. توضیح آنکه، برخی والدین در جامعه اسلامی نیز، به دلیل ضعف در بنیان‌های اعتقادی، خود را روزی‌رسان فرزندان‌شان می‌انگارند و اگر دچار فقر باشند یا از آن بیم داشته باشند، به سقط جنین دست می‌زنند؛ حال آنکه، قرآن به صراحت بیان می‌کند که: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود: ۶)؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست، او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند. همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است. در برخی تفاسیر آمده است که لازم بودن روزی هر جنبنده‌ای بر عهده خداوند، به خاطر وسعت علم الهی به آن در همه حالاتش است؛ بنابراین هیچ موجودی روی زمین بدون روزی باقی نمی‌ماند. ماهی در آب، پرنده در هوا و جنین در رحم مادر، همگی روزی می‌خورند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۴۸).

در دو آیه نهی‌کننده از فرزندکشی به خاطر ترس از فقر یا فقر موجود، دو تعبیر شبیه به هم آمده است که هر دو پندار فوق را نفی می‌کنند. در آیه ۳۱ سوره اسراء، پس از نهی از فرزندکشی به خاطر ترس از فقر، آمده است: «نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» و در آیه ۱۵۱ سوره انعام که درباره فرزندکشی به خاطر فقر موجود صورت می‌پذیرفت، آمده است: «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ». همان‌گونه که مشاهده می‌کنید در این دو آیه، ترتیب ضمیر «هم» و «کم» جابه‌جا شده است. این تعبیر چه تفاوتی در معنا ایجاد می‌کند؟ آیا این صرفاً عبارت‌پردازی است یا نکته‌ای دربر دارد؟ متأسفانه

مفسران به این بحث توجه چندانی نکرده‌اند، اما شاید بتوان این اختلاف در تعبیر را به نحو احتمالی چنین توضیح داد: در جایی که زوجین هنوز فقیر نیستند و صرفاً بیم آن دارند که با آمدن فرزند جدید دچار فقر شوند، قرآن با مقدم ساختن بحث روزی‌رسانی به فرزندان بر روزی‌رسانی به والدین، درصدد رساندن این پیام است که چرا می‌ترسید درحالی که خود شما بر سر سفره همان طفلی خواهید بود که نگران روزی او هستید؛ یعنی او مایه برکت و وسعت در روزی برای شماست و شما نابخردانه درصدد قتل او هستید! در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «يَبْتَ لَا صَبِيَانَ فِيهِ لَا بَرَكَهَ فِيهِ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۷۴، ح ۱۰۹۶). اما در صورتی که زوجین هم‌اکنون فقیر باشند و فرزندی در حال اضافه شدن به جمع آنان است، در این آیه، خداوند با اول آوردن ذکر والدین به آنان گوشزد می‌کند که ما شما را عمری روزی داده‌ایم و می‌دهیم؛ حال آیا از روزی‌رسانی به یک طفل، عاجز هستیم؟

۲. در خصوص ترجیح جنسیتی اعراب جاهلی و برخی انسان‌ها در عصر حاضر، باید گفت: درباره جنس مؤنث و دختر، اسلام دیدی بسیار مثبت دارد. قرآن دختر را نیز هدیه الهی به‌شمار آورده است: «يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنْتًا» (شوری: ۴۹)؛ به هر کس اراده کند، دختر می‌بخشد. استفاده قرآن از واژه «هدیه دادن» برای دختر، نشان از جایگاه والای او در نظام فکری اسلام دارد. کتاب‌های حدیثی نیز بابتی را با عنوان «فضیلت و برتری دختران» گشوده‌اند. به‌عنوان مثال، در روایت معتبری از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا ﷺ آمده است: «تِعْمُ الْوَالِدُ الْبَنَاتُ مُطْفَآتٌ مَجَهَّزَاتٌ مُنْسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَاتٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۵، ح ۵)؛ چه خوب فرزندان هستند دختران؛ [چراکه] آنها نیکوکار، [هنگام سفر] تجهیزکننده، مؤنس [والدین خود]، مبارک و مراقب بهداشت آنها هستند.

اگر جنس زن نباشد، جوامع انسانی روبه انقراض می‌روند؛ چراکه تولیدمثل بنا بر سنت آفرینش الهی، از طریق ازدواج و همسر است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثُكُمْ حَرْثُكُمْ فَاَتُوا حَرْثَكُمْ اَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَانْفُسِكُمْ» (بقره: ۲۲۳)؛ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید، و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید. این خطای راهبردی عرب جاهلی بود که منفعت را فقط در تولید گندم و گوسفند می‌دید و تولید انسان را - از هر دو جنس - توسط زنان نادیده می‌گرفت.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که فرزندکشی جاهلی و سقط جنین مدرن، هرچند در دو بستر زمانی کاملاً متفاوت رخ داده‌اند، اما از حیث انگیزه‌ها، به‌ویژه در بُعد اقتصادی و ترس از فقر و ترجیح جنسیتی، پیوندی عمیق دارند. قرآن این پندار باطل را که والدین روزی‌رسان فرزندان‌اند، به‌صراحت رد کرده است (ر.ک: اسراء: ۳۱)، و شاید همین اشتراک انسان‌ها در این انگیزه، موجب شده است که قرآن بر آن تأکید نماید.

علاوه بر این، باورهای جاهلی همچون نسبت دادن آفرینش دختران به شیطان یا بی‌ارزش دانستن جنس مؤنث، امروزه در پوشش‌هایی نو مانند «ترجیح جنسیتی» یا «حق مدیریت بدن» بازتولید می‌شوند؛ حال آنکه، قرآن دختر و

پسر را موهبت الهی معرفی کرده است (ر.ک: شوری: ۴۹) و حق سلب حیات از هر جاننداری را تنها در اختیار خداوند می‌داند (ر.ک: اسراء: ۳۳).

انگیزه‌های جاهلی و مدرن برای فرزندکشی و سقط جنین، در اصل بر یک سلسله باورهای خطا دربارهٔ نقش والدین، ارزش فرزند و جایگاه اجتماعی انسان استوار است. نقد این انگیزه‌ها بر پایهٔ آیات و روایات، روشن می‌سازد که فرزند نعمت و امانتی بزرگ و الهی است و هیچ‌گونه انگیزهٔ فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی نمی‌تواند مجوز قتل یا سقط او باشد. قرآن دربارهٔ دختر زنده‌به‌گور شده، با لحنی انکاری می‌پرسد: «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۹)، و همین استفهام، خطابی جاویدان به جامعهٔ انسانی است که هرگونه توجیهی برای این عمل را باطل می‌سازد.

نقد انگیزه‌های فرزندکشی جاهلی و سقط جنین معاصر، نه تنها بر غنای مباحث قرآنی و روایی در حوزهٔ خانواده می‌افزاید، بلکه می‌تواند در مقام عمل، بنیان‌های فکری اصلاح فرهنگ فرزندآوری و مقابله با بحران جمعیت در جامعهٔ اسلامی امروز را استوار سازد.

وجه نوآوری این پژوهش، مشخصاً در به‌دست آوردن این نتیجهٔ کلی است که سقط جنین کمابیش همان فرزندکشی جاهلی و با انگیزه‌هایی شبیه به آن است. با این تفاوت که ظاهر آن بسیار شکیل و جذاب و تکنیک‌های انجام آن فناورانه شده است. بنابراین دور از ذهن نیست اگر در قیامت کسانی که به این کار اقدام می‌کنند، محشور با پیشینیان جاهلی خود باشند.

## منابع

### قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- اکوایران: تصویر اقتصاد ایران (۱۴۰۳). مصائب سقط جنین در ایران؛ از سقط در خانه با ۳۰ میلیون تا خطر مرگ. در: <https://ecoiran.com/176/68278>
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ). تهران: دنیای دانش.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۷). بحران خاموش: واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی اجتماعی کاهش باروری در ایران. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- چینی چیان، مریم و دیگران (۱۳۸۶). مطالعه کیفی دلایل انجام سقط جنین عمدی در ایران. پایش، ۳(۶)، ۲۱۹-۲۳۲.
- حسن زاده، عاطفه (۱۴۰۰). بررسی علل سقط جنین به‌عنوان تهدیدی بر امنیت اجتماعی (مطالعه میدانی: شهرستان قم). علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم. ۱(۲)، ۲۶۹-۲۷۸.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۰ق). محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء. بیروت: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربی.
- سقایی‌ریا، محمدجواد (۱۴۰۳). درآمدی بر فلسفه فرزندآوری در آیات و روایات. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی.
- شربشی، احمد بن عبدالؤمن (۱۴۲۷ق). شرح مقامات تحریری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰). مبانی و مفاهیم جمعیت‌شناسی. تهران: انتشار.
- صادقیان کاخکی، غلامرضا (۱۳۹۴). کارکردهای افزایش جمعیت از منظر قرآن کریم و روایات. مشهد: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- عطار نیشابوری، بهناز (۱۳۷۶). بررسی علل و انگیزه‌های سقط عمدی جنین در استان کردستان. رساله دکتری پزشکی. کردستان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کردستان.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: هجرت.
- فرداد، طویی (۱۴۰۲). فرزندکشی قبل از اسلام در جزیره العرب از منظر قرآن و متون تاریخی. حیل المتین، ۱۱(۴۲)، ۲۶-۴۹.
- فرزندکشی در آیین جاهلی: تفسیر قرآن مجید (۱۳۵۷). درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۸(۱۲)، ۷-۹.
- فرزندکشی (تفسیر) (۱۳۵۸). درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۹(۱)، ۱-۱۰.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.
- کاطمی، سودابه (۱۴۰۳). رئیس انجمن متخصصان زنان و زایمان: سالانه بیش از ۵۰۰ هزار سقط جنین در کشور رخ می‌دهد. خبرگزاری

جمهوری اسلامی. [www.irna.ir/news/85700653](http://www.irna.ir/news/85700653).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). کافى. قم: دار الکتب الاسلامیه.

گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده. برگردان، تلخیص و تدوین معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

گودرزی، فرامرز (۱۳۷۴). پزشکی قانونی. تهران: انیشتین.

مراغی، احمد مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار الفکر.

معموری، علی و خوش‌سخن مظفر، زهرا (۱۳۸۹). بررسی تاریخی جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ضرب. پژوهش‌نامه

علوم و معارف قرآن، ۱۱(۶)، ۷۳-۹۴.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

نصیری، محمد و زارعکار، حسین (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی مسئله زنده‌به‌گور کردن دختران در جزیره العرب عصر جاهلی.

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۱(۲۰)، ۲۲۷-۲۴۴.

Beumer, Wieke Y. et al. (2025). Motivations for Abortion or Continuation of an Unwanted Pregnancy: A Scoping Review of the Global Literature. *Perspectives on Sexual and Reproductive Health*, 57(1), 45-62.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی